

# تصمیمات محاکم

## تصمیم دیوان عالی تمیز مبنی بر ابرام

### راجع به تهمت افترا در مورد شاکی جزائی

#### که مشتکی عنه تبرئه شده باشد

حکم محکمه جنحه یکماه حبس محکوم شده - ولی محکمه استیناف پس از رسیدگی از جهت اینکه قضیه مشمول ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی نبوده چه آنکه نسبت سرقت بوسیله اوراق چاپی و خطی یا بوسیله نطق در مجامع نبوده و مشمول بند (ب) از ماده ۲۶۹ مکرر نیز نبوده زیرا که معلوم نیست قصد متهم از شکایت تنها افتراء بوده است و بلکه از قرائن و امارات و طرز بیان شاکی مستفاد می شود که او یقین داشته گوشواره و اسکناسهای او را بیک نفر از امنیه ها برده - حکم محکمه را فسخ و قرار منع تعقیب متهم را صادر میکند -

مدعی العموم استیناف بر حکم مزبور اعتراض تمیزی کرده - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۱۲۹۰ ر ۸۹۵۰ مورخ ۱۶/۶/۱۰ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

(اعتراض مدعی عمومی استیناف بخلاصه اینکه عمل متهم باماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی و بابت بند (ب) ماده ۲۶۹ مکرر مصوب سوم خرداد ۱۳۱۳ انطباق داشته و محکمه بر خلاف قانون قرار منع تعقیب او را صادر کرده با عدم احراز قصد افتراء و سوء نیت متهم در نظر محکمه حاکیه با حکم به حکم ممیز عنه وارد نیست و چون از سایر جهات نیز اشکال مؤثری در پرونده عمل مشهود نگردیده حکم مزبور باتفاق آراء مبرم است - )

بموجب ماده ۲۶۹ قانون مجازات - هر کس بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا بوسیله انتشار اعلان یا اوراق مزبور یا بوسیله نطق در مجامع بکسی امری را صریحاً نسبت دهد که آن امر مطابق قانون جنحه یا جنایت بشمار رود مفتری محسوب خواهد شد مشروط باینکه نتواند صحت آن اسناد را ثابت کند - در صورت اثبات در محاکم صالحه بموجب ماده ۲۷۰ معاف از مجازات است - و در صورت عدم اثبات از یکماه تا یکسال به حبس تأدیبی محکوم می شود -

بموجب بند (ب) ماده ۲۶۹ مکرر مصوب ۱۳۱۳ هر کس بقصد اضرار دیگری یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی بوسیله مراسلات یا عریض یا گزارشها یا نشر یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بی امضا دروغهایی را احضار نماید یا اعمال بر خلاف حقیقت راساً یا بعنوان نقل قول بشخص یا اشخاص یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد خواه ضرری بکسی برسد یا نه به حبس تأدیبی از یکماه تا دو سال محکوم خواهد شد -

کسی بعنوان آنکه یار که بدایت شکایت کرده که مأ مورین امنیه موقع ورود به خانه او برای بازرسی قاچاق مبلغی پول و انگشتری از او سرقت کرده اند و نتوانسته ثابت کنند - مورد تعقیب یار که بدایت واقع شده و طبق

## تصمیم هیئت عمومی دیوان عالی تمیز مبنی بر ابرام در مورد تکرار جرم دزدی و کلاه برداری

محکمه استیناف بر اثر شکایت استینافی محکوم علیه حکم را تایید کرده و دیوان عالی تمیز از لحاظ آنکه شق (۳) ماده ۲۵ اصلاحی ناظر به مواردی است که جرائم ارتكابی سابق و لاحق متهم دزدی و کلاه برداری باشد و شامل چنین موردی نیست حکم را نقض کرده و محکمه استیناف مجدداً همان مجازات را برطبق همان ماده صادر می‌کند -

محکوم علیه تمیز خواسته - هیئت عمومی دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۹۳۰۹۹۳۰۹ مورخ ۱۵/۶/۱۶ پس از رسیدگی با کثرت چنین رای داده است:

«چون از طرف مستدعی تمیز فقط تقاضای رسیدگی تمیزی شده بدون بیان هیچگونه اعتراض و نظر باینکه از جهت رعایت اصول و قواعد محاکمه و تشخیص تقصیر و تطبیق عمل مورد حکم با قانون و تعیین مجازات اشکالی که مؤثر در نقض باشد بنظر نمی‌رسد حکم مورد استدعا با کثرت آراء ابرام می‌شود.»

بموجب قسمت اخیر شق (۳) ماده ۲۵ اصلاحی قانون مجازات - مجازات کسانی که بیش از دو سابقه محکومیت برای دزدی و یا کلاه برداری داشته باشند حبس موقت با اعمال شاقه است .  
در اینجا قانون تصریح نکرده که اتهام مورد رسیدگی باید از سنخ جرائم سابقه بوده یعنی ارتكاب لاحق هم دزدی و یا کلاه برداری باشد بنابراین دو نظر پیش می‌آید یکی آنکه جرم لاحق اعم است از دزدی و کلاه برداری و غیر آن - دیگر آنکه جرم لاحق نیز باید از سنخ جرمهای سابق باشد و البته با اتخاذ هر یک از این دو نظر در میزان مجازات تفاوت حاصل می‌شود .

کسی با اتهام پنهان کردن مان دزدی با استناد ماده ۲۳۰ قانون مجازات مورد تعقیب واقع و محکمه جنحه متهم را از جهت داشتن سه سابقه محکومیت جزائی مؤثر در تکرار جرم (دزدی) طبق ماده مزبور و شق (۳) از ماده ۲۵ اصلاحی سه سال حبس با اعمال شاقه و توقف اجباری در یکی از نقاطیکه دولت معین می‌کند محکوم می‌نماید -

## تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

### راجع بعد اقل مجازات در مورد تکرار و تعدد جرم

دزدی و کلاه برداری داشته باشند حبس موقت با اعمال شاقه است .

کسی که متهم به هفت فقره دزدی با داشتن سه سابقه محکومیت جزائی مؤثر از جهت دزدی و کلاه برداری بوده در محکمه جنحه با استناد ماده ۲۲۶ قانون مجازات

بموجب ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات - در مورد تکرار یا تعدد جرم محکمه نمیتواند مجازات مجرم را از حد اقل پایین تر بیاورد .

بموجب ذیل شق (۳) ماده ۲۵ اصلاحی قانون مجازات - مجازات کسانی که بیش از دو سابقه محکومیت برای

دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۹۸۷۹  
 ۱۵۲۰ و شماره ۹۸۷۷، ۱۵۱۸ مورخ ۱۶/۷/۱۲ پس از  
 رسیدگی چنین رأی داده است :

« چون حکم مزبور مبنی بر این نظر صادر شده  
 که حد اقل مذکور در ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات  
 عمومی اقل مجازاتی است که با رعایت قواعد تکرار جرم  
 باید معین شود و این استنباط بر خلاف ظاهر ماده مزبور  
 میباشد و ظاهر از حد اقل در این قانون و حد اکثر در  
 قانون تمدد جرم همان حد اقل و اکثر مجازات اصل جرم  
 است بنا بر این حکم مزبور بر خلاف قانون صادر شده و  
 با استناد بماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق  
 آراء نقض میشود ... »

و ماده ۲ الحاقی و ماده ۴۵ مکرر و رعایت شق ۳ از ماده  
 ۲۵ اصلاحی برای هر يك از جرما محكوم بيكسال و نيم  
 حبس تأديبی میشود - محكمه استيناف پس از رسيدگی  
 از جهة آنکه مجازات تعیین شده از طرف محكمه کمتر  
 از حد اقل مجازاتی است که در ذیل ماده ۲۵ اصلاحی پیش  
 بینی شده حکم را فسخ کرده و متهم را برای هر عمل  
 انسابی که در نظر محكمه ثابت شده بسه سال حبس با  
 اعمال شاقه (که حد اقل حبس موقت است و محكمه استيناف  
 تصور کرده منظور قانون از حد اقل مذکور در ماده  
 ۴۵ حد اقلی است که با رعایت قواعد تکرار جرم باید  
 معین شود) محكوم کرده است .

### تصمیم دیوان عالی تمیز

#### در مورد تشخیص جرم راه زنی در جاده عمومی

« بطوریکه از مجموع اظهارات کتبی و شفاهی  
 شاکی خصوصی (بشرح توضیحاتی که در اداره امنیت داده)  
 مستفاد میشود عمل منتسب بمتهم این بوده در موقعی که  
 شاکی میخواسته گوسفندهای خود را از حدود ملک عبور  
 داده بقریه ببرد متهم بمنوان اینکه گوسفندها زراعت و  
 محصول ارباب او را ضایع میکنند ممانعت از عبور نموده  
 و شاکی هم بمنوان اینکه محل عبور جاده است نه مزرعه  
 مقاومت کرده و در نتیجه متهم شاکی را مضروب و مجروح  
 و ضمناً مبالغی وجه نقد و غیره از او گرفته است چون  
 این عمل با کیفیات مقرونه به آن را هزنی بنحوی که  
 مشمول قانون مصوب خرداد ۱۳۱۰ راجع به مجازات قطاع-  
 الطريق باشد محسوب نمیشود تا طبق قانون مزبور محاکمه  
 او در دیوان محراب بعمل آید و بالملازمه مستنطق دیوان  
 محراب برای رسیدگی صالح باشد لذا مرجع صلاحیت -  
 دار برای رسیدگی باین قضیه مستنطق عدلیه تشخیص میشود - »

کسی با اتهام آنکه دیگری را در راه مضروب و  
 مجروح ساخته و مقداری پول از او مفقود شده مورد سوء  
 ظن و تعقیب واقع و مستنطق عدلیه با موافقت مدعی العموم  
 از نظر اینکه جرائم منتسب در جاده عمومی واقع شده  
 و تعقیب امر از صلاحیت محاکمات ارتش است قرار عدم  
 صلاحیت صادر کرده و پرونده را با اداره محاکمات ارتش  
 فرستاده - مستنطق اداره محاکمات ارتش با موافقت  
 مدعی العموم نیز از لحاظ اینکه جرائم در محل سکون  
 عمومی واقع شده نه در جاده عمومی خود را صالح ندانسته  
 و پرونده را بیار که بدایت بر گردانیده و برای حل اختلاف  
 بدیوان عالی تمیز فرستاده شده .

دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره  
 ۱۰۱۳۷ و ۱۶۰۰ مورخ ۱۶/۷/۱۸ پس از رسیدگی چنین  
 رأی داده است :

## تصمیم دیوان عالی تمیز در مورد حبس دائم که مطلق بودن آن منصرف به حبس با اعمال شاقه است

عدم ذکر حبس دائم بطور مطلق در درجات مجازات جنائی است

در تأیید صحت استنباط و نظردوم دیوان عالی تمیز شبهه (۵) در حکم شماره ۹۸۶۲۱۳۴۰ مورخ ۱۶/۶/۱۶ (در موضوع محکومیت کسی بجرم ضرب و جرح با کارد که منتهی بفوت مجروح شده و محکمه جنائی جرم را منطبق با قسمت اخیر ماده ۱۷۱ دانسته و بارعایت تخفیف با استناد ماده ۴۴ مجرم را بحبس دائم «بی قید اعمال شاقه» محکوم کرده و مدعی العموم از جهت آنکه حبس دائم بطور مطلق در قانون نیست تمیز خواسته) - چنین رای داده است:

(اعتراض مدعی العموم باینکه حبس دائم مطلق بدون قید با اعمال شاقه در قانون پیش بینی نشده - بادر نظر گرفتن مفاد رای محکمه و استناد به قسمت اخیر ماده ۱۷۱ و از لحاظ اینکه حبس دائم غیر مقرون با اعمال شاقه در جزء مجازاتهای قانونی نیست و مسلم بوده که نظر محکمه همان حبس دائم با اعمال شاقه بوده ابرام موجب نقض نیست و چون از جهات دیگر نیز ابرام مؤثری دیده نمیشود حکم مزبور ابرام میشود)

طبق ماده هشتم قانون مجازات عمومی - مجازات جنایت در درجه اول اعدام و درجه دوم حبس دائم با اعمال شاقه و در درجه سوم حبس موقت با اعمال شاقه و در درجه چهارم حبس مجرد است،

بموجب ماده ۱۷۱ قانون نام برده - مجازات ضرب و جرح عمدی که باعث قتل شود اگر با آلات کشنده باشد همان مجازات قتل عمدی است که اعدام است.

بموجب ماده ۴۴ - در مورد جنایت هر گاه اوضاع و احوال مقتضی تخفیف باشد اعدام به حبس دائم یا به حبس موقت با اعمال شاقه تبدیل می شود.

از ظاهر عبارت ماده ۴۴ میتوان استنباط نمود که تبدیل اعدام به حبس دائم (بطور مطلق بدون اعمال شاقه) امکان پذیر است ولی با امان نظر در ماده هشتم و ماده ۴۴ نمیتوان این تفسیر و استنباط را مطابق روح قانون دانست زیرا در ماده (۸) حبس دائم بی اعمال شاقه پیش بینی نشده و عدم قید جمله «با اعمال شاقه» پس از جمله «حبس دائم» در ماده ۴۴ علاوه بر آنکه دلیل تحقق قانونی حبس دائم بی اعمال شاقه نمی باشد اساساً چون قید مزبور پس از جمله «حبس موقت» ذکر شده بهر دو حبس راجع میشود زیرا قید مطوف با بودن قرینه قید مطوف علیه نیز خواهد بود و بزرگترین قرینه در اینجا

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد طرز رسیدگی محاکم بدعاوی جزائی پس از نقض تمیزی

مورد ارجاع تمیز ثانوی را بشعبه تمیز یا به هیئت عمومی معین میکنند و از اینکه محکمه استیناف یا جنائی

راجع بکیفیت امر پس از نقض تمیزی در اصول محاکمات جزائی تنها دو ماده ۴۶۲ و ۴۶۳ است که

حکم شماره ۸۶۲۸ ر ۱۳۳۱ مورخ ۱۶/۶/۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

(اگر چه اعتراض مستدعی تمیز که محتویات پرونده دلالت بر بی اطلاعی او از ارتکاب جرم دارد در ارجح به اهمیت قضیه است و مورد رسیدگی تمیزی واقع نمیشود ولی بحکم مورد استدعای تمیز از این حیث که حکم سابق صادر از شعبه دوم محکمه استیناف ۰۰۰۰ از جهت اصل ارتکاب در شبهه دوم دیوان عالی تمیز مبرم فرض شده و باظهارات متهم توجیهی نگردیده اعتراض وارد است چه قطع نظر از اینکه عدم توجه شعبه دوم دیوان عالی تمیز با اعتراضات متهم از جهت اینکه راجع به مساهمت بوده است ابرام را نمی‌رساند احکام استینافی در موارد جنحه قابل تفکیک نبوده در صورت نقض رسیدگی مجدد در تمام جهات مقتضی خواهد بود بنا بر مراتب مزبوره حکم مورد استدعای تمیز بر طبق ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود ۰۰۰۰)

بچه کیفیت باید پس از نقض رسیدگی کند قانون تکلیفی معین نکرده - لیکن رویه دیوان عالی تمیز چنین است که در مورد احکام جنائی محکمه جنائی باید تنها بهمان قسمت از حکم که نقض شده رسیدگی کند ولی در قسمت احکام جنحه که استینافاً رسیدگی میشود پس از نقض تمیزی اگر چه از جهت خاصی باشد باید در تمام قسمت آن حکم رسیدگی شود زیرا احکام محاکم جنحه از لحاظ نقض و ابرام تمیزی اصولاً قابل تجزیه و تفکیک نیستند .

راجع بمورد دوم دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در موضوع محکومیت کسی با اتهام خیانت در امانت (که محکمه جنحه او را محکوم کرده و محکمه استیناف آنرا تأیید کرده و دیوان عالی تمیز از جهت آنکه جلسه رسیدگی استینافی بمتهم اخطار نشده بوده حکم را نقض کرده و محکمه استیناف اعتراضات مستأنف را از جهت و تصور آنکه در دیوان تمیز این قسمت ابرام شده محط نظر قرار نداده و حکم محکمه جنحه را تأیید کرده) - در

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### راجع بدعوی مدعی خصوصی در مورد تبرئه متهم

ضرر و زیان مدعی خصوصی پس از تبرئه متهم بمورد است بنا بر این مدعی خصوصی در دعوی خود محکوم به بیحقی است (

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۱۳۳۷ ر ۸۶۸۴ مورخ ۱۶/۶/۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

(۰۰) اعتراض مدعی خصوصی دائر باینکه اولاً محکمه دلیلی بر اینکه دعوی خصوصی در محکمه حقوق مطرح بوده وثانیاً بر فرض آنکه در محکمه حقوق مطرح بوده اصدار حکم به بیحقی در محکمه جزا آنهم پس از تبرئه متهم مورد نداشته وارد بنظر میرسد زیرا محکوم کردن مدعی خصوصی به بیحقی پس از تبرئه متهم آنهاست با تصدیق

بموجب ماده ۱۴ اصول محاکمات جزائی - پس از صدور حکم راجع بدعوی عمومی حکم راجع بدعوی خصوصی نیز در همان مجلس صادر میشود و اگر محکمه حکم نداد مدعی خصوصی می تواند به محکمه حقوق مراجعه کند .

بموجب ماده ۱۵ قانون نام برده - در صورتی که مرجع دعوی خصوصی در ابتداء محکمه حقوق بوده دیگر دعوی مزبور در محکمه جزا پذیرفته نمیشود . . . . . کسی با اتهام جہل مورد تعقیب در محکمه جنائی واقع و پس از رسیدگی متهم را تبرئه کرده و در قسمت دعوی مدعی خصوصی چنین رأی داده (گذشته از اینکه این دعوی قبلاً در محکمه حقوق اقامه شده چون ادعای

باینکه دعوی خصوصی در محکمه حقوق مطرح بوده بر خلاف ماده ۱۴ و ۱۵ قانون اصول محاکمات جزائی است بنا بر این حکم مورد استدعا در این قسمت نقض

میشود و چون قانون بمشارایه حق داده که بمحکمه حقوق مراجعه کند این حق برای اثبات است و ارجاع بمحکمه خاصی مورد ندارد و ارجاع نمیشود (

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در رد دعوی عسار از پرداخت جریمه نقدی

حکمی از محکمه بدایت دایر بر رد دعوی عسار کسی که محکوم پرداخت جریمه قاچاق بوده صادر و در مرحله استینافی تأیید شده است - محکوم تلبیه از حکم مزبور تمیز خواسته - شعبه (۲) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۰۰۵۰/۱۵۹۹ مورخ ۱۲/۷/۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

( هر چند از طرف خواستار تمیز اعتراضی که قابل اعمال نظر تمیزی باشد بیان نشده لیکن اشکال مهم مؤثری بر حکم مورد درخواست تمیز وارد است زیرا قطع نظر از اینکه قابل طرح بودن دعوی عسار در مقابل وجوهی که بمنوان غرامت و جریمه نقدی در احکام محاکم جزائی مجازات معین میشود مطابق مقررات دعوی عسار حقوقی نسبت به محکوم به احکام صادر از محاکم حقوق

بطور کلی محل نظر است چون در این مورد که بر حسب مندرجات عرضحال استینافی محکوم به حکم محکمه جنجه که موضوع دعوی عسار واقع شده بمنوان جریمه نقدی برای ارتکاب مدعی عسار بجرم قاچاق عرق بوده که بموجب تبصره ۱ ماده ۸ و ماده ۱۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب اسفند ۱۳۱۲ در صورت عدم قدرت محکوم علیه بتأدیه جریمه نقدی تکلیف خاصی معین شده است ( در مقابل هرده ریال جریمه یک روز حبس ) بنا بر این قبول عرضحال دعوی عسار و رسیدگی و صدور حکم اساساً در محکمه بدوی و همچنین تأیید آن در محکمه استینافی مخالف قانون محسوب و حکم مورد درخواست تمیز بموجب ماده (۴۳۰) اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود (۰۰

## تصمیم دیوان عالی تمیز

۱- در مورد تفکیک مرور زمان منقول از غیر منقول

۲- در مورد تاریخ مطالبه خسارت دعوی بر مرده

زمان از روز استحقاق مطالبه شروع میشود و در دعاوی راجع بصغیر مرور زمان از تاریخ رشد محسوب میشود . بموجب ماده ۳۴ قانون تسریع - در مورد دعوی غیر

بموجب ماده (۲) قانون مرور زمان اموال منقول - مدت مرور زمان نسبت بمال منقول ده سال است . بموجب ماده (۳) قانون نام برده - مدت مرور

تجارتی بر مبنای میزان خسارت از تاریخ صدور اولین حکمی که بر اه مدعی صادر شده خواهد بود .

دو نفر اصالة و بقوات از طرف دو صغیر بتقاضای ثبت خانه بر مستدعی ثبت (که مورت مستدعی ثبت به بیع خیاری بمورت مدعیان فروخته بوده) اعتراض کرده و کیل مدعی علیه دعوی را مشمول مرور زمان دانسته محکمه بدایت ایراد مرور زمان را رد کرده و پس از رسیدگی مدعی علیه را بپرداخت بهای معامله و خسارت تاخیرتادیه از انقضای خیاری محکوم کرده است - محکوم علیه استیناف داده محکمه استیناف پس از رسیدگی بدین خلاصه رای داده است (قرار رد ایراد مرور زمان مورد نداشته چه آنکه از تاریخ انقضاء خیاری تا تاریخ عرضحال پانزده سال گذشته و موضوع مشمول مرور زمان منقول است نه غیر منقول که محکمه تشخیص داده زیرا در اصل مالکیت خیاری نزاعی نبوده و تنها بهای مبیع و خسارت مورد مطالبه شده و مدعی به وجه نقد بوده که مرور زمان آن ده سال است و از مجموع موارد راجع بمعاملات خیاری چنین مستفاد میشود که دامن نسبت بمبیع حقی نداشته و تنهامتواند مطالبه پول بنماید و مبیع شرطی و ثیقه بیش نیست بنابراین این موضوع مشمول قانون مرور زمان اموال منقول است - و چون دعوی بر مبنای است رعایت ماده ۳۴ قانون تسریع لازم بوده و محکمه بر خلاف قانون تاریخ خسارت را از زمان گذشتن خیاری دانسته است - زیرا ماده مزبور بطور عموم در دعوی بر مبنای غیر تجاری باشد پرداخت خسارت را از تاریخ صدور اولین حکم بر اه مدعی تجویز نموده و با وجود اینکه احکام معاملات خیاری در زمان وضع قانون مزبور مجری بوده استثنائی قائل نگردیده بنابراین این مجوزی برای عدم مشمول ماده مزبور بر معاملات خیاری بنظر نمیرسد و اطلاق ماده مزبور شامل معاملات خیاری نیز می باشد و قانون ثبت اسناد نیز معارضه باماده مزبور ندارد زیرا نسبت بدعوی بر مبنای ماده مزبور اختصاصی قائل گردیده و قانون ثبت که بطور کلی تأدیه خسارت را از انقضای مدت خیاری منظور داشته ناظر بدعوی بر غیر مبیع میباشد بنابراین حکم و قرار

مستأنف عنه مخدوش و فسخ می شود - و راجع بایراد مرور زمان نسبت به سهم دو نفر صغیر طبق ماده (۳) قانون مرور زمان اموال منقول مرور زمان از تاریخ رشد آن دو نفر جاری خواهد شد و ایراد مزبور نسبت به آنهارد می شود - و چون اصالت سند و وراثت مدعیان محرزات و نظر به آنکه مشتری خیاری طبق ماده ۳۳ قانون ثبت حق مطالبه ثمن و خسارت تاخیرتادیه را از متصرف دارد مدعی علیه محکوم است مبلغ ۰۰۰۰ بابت اصل و مبلغ ۰۰۰۰ از تاریخ اولین حکم بابت خسارت طبق ماده ۳۴ قانون تسریع بپردازد )

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۱۲۶۳/۱۱۱۱ مورخ ۱۶/۵/۲۱ چنین رای داده است :

(قبل از قانون ثبت مصوب ۱۳۰۸ مشتری در معاملات خیاری با انقضای مدت خیاری مستحق تملك عین مبیع بوده و بعد از آن فقط استحقاق مطالبه ثمن معامله را دارا شده است و نظر باینکه تاریخ معامله خیاری مورد بحث قبل از تصویب قانون مزبور بوده وراثت مشتری اولاً مستحق مطالبه عین مبیع بوده اند و بعداً - (بعد از تاریخ تصویب این قانون) استحقاق ثمن یافته اند و چون طبق ماده سوم قانون مرور زمان مدت مرور زمان از روزی شروع می شود که دامن مستحق مطالبه شده لذا مدعی به نسبت سهم خود استحقاق مطالبه ثمن داشته و مبداء مرور زمان منقول از آن تاریخ نباید شروع شود نه از تاریخ انقضای مدت خیاری و با ملاحظه تاریخ تقدیم عرضحال مدعیه بدلیه مرور زمان منقول بر دعوی مشارالیهها حاصل نیست و حکم استینافی از این حیث مخدوش میباشد و همچنین راجع به انطباق مورد از جهت خسارت تاخیرتادیه باماده ۳۴ قانون تسریع حکم مزبور قانونی نیست زیرا ماده مذکور فقط ناظر بخسارات وارده از تاخیرتادیه یا انجام تمهد یا تسلیم مدعی به است در غیر مورد معاملات مربوط به ثبت و معاملات مشمول مواد ثبتی باقوانین مخصوصه بخود باید منطبق گردد زیرا با اصلاحاتی که در قانون ثبت بعد از قانون تسریع بعمل آمده

و مقنن هم نظر بقانون تسریع داشته که بعضی از مواد ثبتی را بهاره از مواد تسریع مطوف و مقید نموده و بمذک عموم و اطلاق مواد ثبتی را در مورد دعاوی غیر تجاری برهیت مقید نکرده بایستی ماده ۳۴ قانون تسریع را فقط

بمورد مدعی به معاملات و تهدمات غیر ثبتی اختصاص داد بنا براتب مذکور حکم مورد استدعاء از دو جهت فوق الذکر مخدوش و طبق ماده ۳۴۰ قانون اصول محاکمات آزمایش با اتفاق آراء نقض میشود (۰۰۰۰)

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد اعتراض بر حکم محکمه شرع

غیابی پیش بینی نشده بلکه فقط حق يك دفعه اعتراض تحت عنوان تجدید نظر محکوم علیه داده شده با اینحال در مورد مانحن فیه که یک دفعه محکوم علیه بر حکم محکمه شرع اعتراض نموده و محکمه شرع دو دفعه رسیدگی قانونی خود را انجام داده دیگر عرض حال اخیر که قبول آن مستلزم سه دفعه رسیدگی در محکمه شرع است موقعیت قانونی ندارد لذا عرض حال مزبور رد میشود) - محکوم علیه از رد عرض حال تمیز خواسته - شبهه (۱) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۴۱۸۳-ر-۱۵۰۶ مورخ ۸ ر ۷ ر ۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

(نظر محکمه در رد عرض حال مخدوش است زیرا که رسیدگی محکمه شرع تابع اصول مقرر در شرع است و در شرع رسیدگی مجدد در مورد حکم شرعی غیابی پس از حضور غائب و اقامه حجت در نزد همان حاکم مجاز و مقرر است و قانوناً هم ممنوع نگردیده و چون با ملاحظه توضیحی که و کیل معترض در پاسخ محکمه شرع داده عرض حال اعتراض اولی بعنوان اعتراض بر حکم غیابی و برای اقامه حجت بوده و لذا همان محکمه صادر کننده حکم غیابی رسیدگی و حکم ثانی را داده لذا مرحله شکایت از حکم شرعی و تقاضی تجدید نظر در محضر حاکم دیگر طبق قانون برای محکوم علیه محفوظ بوده و هر ض حال ثانی را باین عنوان داده است بنا براتب قرار مورد

بموجب ماده (۵ و ۶) قانون محاکم مصوب آذر ۱۳۱۰ - مرجع تجدید نظر در احکام محکمه شرع تهران محضر يك نفر مجتهد جامع الشرايط است که بقرعه معین میشود .

در مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ترتیب تقدیم اعتراض بر حکم محکمه شرع و جر بیان آن ذکر شده و بموجب ماده ۱۶ - رأی محکمه تجدید نظر قطعی است .

بطوریکه ملاحظه میشود در قانون محکمه شرع از موضوع حکم غیابی ذکر نشده ولی طبق اصول کلی و اینکه غالب شرعاً به حجت خود باقی است - محکوم علیه غالب میتواند بر حکم غیابی محکمه شرع در همان محکمه که حکم داده اقامه حجت کرده و اعتراض غیابی بنماید و البته این اعتراض تجدید نظر منظور در مواد نام برده محسوب نخواهد بود .

کسی در موضوع دعوی دادن طلاق در محکمه شرع تهران غیاباً محکوم بعدم صحت دعوی وقوع طلاق شده و بر حکم مزبور اعتراض کرده و محکمه مزبور پس از رسیدگی با اقامه حجت مدعی غایب مجدداً رأی بدوی را تأیید کرده - محکوم علیه عرض حال اعتراض مجدد بمحکمه استیناف (ارجاع کننده دعوی بمحکمه شرع) داده محکمه مزبور عرض حال دوم را رد و چنین رأی داده است:

(در قانون رسیدگی محاکم شرع اعتراض بر حکم



نشده صحیح نبوده و نقص می‌شود و بشبه دیگر محکمه مزبوره  
(مرجع میشود -)

استدعاء در رد عرضحال مزبور باستناد اینکه بر حکم  
شرعی بیشتر از يك دفعه اعتراض در قانون پیش بینی

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد ورود ثالث در دعوی

از طرف واقف برای موقوف علیهم مقرر است در موقع خود  
تادیه نماید مشارالیه می‌توانند مستقلاً بر او اقامه دعوی  
نموده و حقوق خود را مطالبه نمایند بالتبقیه عرضحال  
اشخاص ثالث در این مقام طبق مستفاد از ماده مزبوره  
بیموقع بوده ورد آن اعلام می‌شود)

محکوم علیهم از قرار رد عرضحال تمیز خواسته - دیوان  
عالی تمیز شبهه (۱) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۴۰۸۸  
ر ۱۴۹۸ مورخ ۱۶۶۳۱۶۶۳۱ چنین رأی داده است :

(بر رأی محکمه اشکالی وارد نیست چه اقامه دعوی  
اشخاص ثالث بعنوان اظهار حق مستقلاً و باستناد ماده ۱۶۴  
قانون آزمایش نیز مشروط است باینکه صدور حکم در  
دعوی بین متداعیین اصلی موجب اجحاف و خذل بحقوق  
اشخاص ثالث باشد و چنانکه در قرار ممیز عن استدلال  
شده در این موضوع طرفیت مستدعیان تمیز بامدعی اصلی  
از جهت اینکه مشار الیه در ضمن دعوی اصلی مدعی به  
را تخصیص بخود نداده بیموقع بوده نیز بواسطه اقامه  
دعوی از طرف متولی بر مدعی علیه اقامه دعوی اشخاص  
ثالث براو بیوجه است و بالجمله خلی در اقامه دعوی  
بین متداعیین اصلی در باب تولیت موقوفه و مطالبه عوائد  
نسبت بحقوق اشخاص ثالث متصور نیست و با این حال  
ورود آنان بعنوان مزبور موافقتی با ماده مورد استناد  
ندارد و اینکه در اعتراضات تمیزی ذکر شده که ممکن  
است بعد از صدور حکم مدعی اصلی از تادیه سهام  
موقوف علیهم امتناع نماید علاوه بر اینکه عناصر وارکان  
چنین دعوائی هنوز محقق و موجود نیست مجوز دخالت  
آنان نیز در این دعوی نخواهد بود و بنا بر این قرار ممیز  
عنه باتفاق آراء مبرم است .)

طبق ماده ۱۶۴ قانون آزمایش - هر گاه شخص  
ثالث به ملاحظه نفعی که برای او از محقق شدن یکی از  
متداعیین حاصل است بخواهد در دعوائی شرکت نماید  
میتواند در همه مراحل کار و در هر درجه (خواه ابتدائی  
و خواه استیناف) عرضحال دهد . . . .

چند نفر از جهت آنکه در دعوی دونه برابر هم راجع  
بتولیت ملك و نفی موقوف علیهم هستند و ممکن است پس  
از خاتمه دعوی محکوم له از پرداخت سهام آنها خودداری  
کند و از این راه ضرری بحق آنان وارد شود بعنوان  
ثالث وارد دعوی در مرحله استینافی شده اند - محکمه  
استیناف پس از رسیدگی چنین رأی داده است (مستفاد  
و مستظهر از ماده ۱۶۴ قانون آزمایش و مواد مربوطه  
بدخول اشخاص ثالث در دعوی این است که اگر از طرف  
متداعیین و محقق شدن یکی از آنها ضرری برای شخص  
ثالث حاصل شود آن شخص میتواند شرکت در دعوی  
نموده و تصریح هم نماید که با کدام يك از اصحاب دعوی  
بدوی می‌خواهد شرکت بجوید در این مورد شرکت  
معترضین در دعوی وجهه قانونی ندارد چه آنکه مدعی علیه  
اصلی است با وجود متولی و اقامه دعوی از طرف او  
علیه وی شرکت اشخاص ثالث با او موقعیتی ندارد و  
آنکه مدعی است با تصدیق معترضین بتولیت مشار الیه  
و بعنوان عرضحال او بنام تولیت و عدم تخصیص مدعی به  
بخود که لامحال از این راه بتوان فرض ضرری در دعوی  
مزبوره برای معترضین نمود شرکت مشار الیه نیز در  
قضیه مطروحه بی محل است و در صورتیکه عایدات  
سنوات مورد مطالعه مدعی بتصرف او در آید و حقوقیکه

## تصمیم دیوان عالی تمیز

راجع بدم اکتفا به اصالت سند در دعاوی تجارتي

و لزوم مراجعه بدفتر در صورت اتناد

که اعتبار آن مدل است حاکی از معامله گندم نیست بلکه حکایت از آن دارد که در دست و پنجه خروار گندم طلب تجار تخته ۰۰۰ از مستأنف است که عندالمطالبه کارسازی نماید بنا بمراتب حکم مستأنف عنه خالی از اشکال بوده و تأیید میشود (محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته شعبه (۴) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۵۰۸ر۱۳۴۴ مورخ ۱۶۷ر۱۰ چنین رأی داده است:

نظر باینکه مدعیان بدوی در عرضحال تقدیمی بمحکمه خودشانرا تاجر معرفی کرده اند و بموجب ماده ۵ قانون تجارت کلیه معاملات تجار تجارتي محسوب مگر خلاف آن ثابت شود و مستدعی تمیز در ضمن استناد بدفاتر آنان اظهار داشته که بر فرض صحت و اصالت سفندمه ر کیه و عملی شدن معامله گندم چون وجه گندم را نداده اند حتی مطالبه آنرا ندارند و محکمه برخلاف ماده ۷۹ و ۱۸۷ قانون آزمایش تقاضای مزبور را مورد توجه قرار نداده بنا براین حکم محکمه معلول و بموجب ماده ۳۴۰ قانون مزبور باتفاق آراء منقوض است و ختم امر بشعبه دیگر محکمه استیناف مرکز ارجاع میشود.)

طبق ماده ۷۹ قانون آزمایش - هر گاه یکی از دو طرف بدفاتر و اسناد تجارتي طرف دیگر استناد کند دفاتر مزبور باید ابراز شود.)

بموجب ماده ۱۸۷ آزمایش - دفاتر تجارتي در مورد دعوی تاجری بر تاجری در صورتی که این دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل حساب می شود.

کسی در محکمه بدایت با استناد فته طلب بدعی به ۲۵۰ خروار گندم بر کسی دیگر اقامه دعوی کرده در مرحله ابتدائی منتهی به محکومیت مدعی علیه پرداخت مدعی به شده - در مرحله استینافی محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رأی داده:

(تقاضی و کیل مستأنف راجع به ابراز دفاتر مستأنف علیهما به کیفیتي که اظهار شده (بخلاصه اینکه میگویند مستأنف گندمی بانها فروخته باید اثبات نمایند که وجهش را پرداخته اند یا اگر نداده اند وجه را بدهند گندم بگیرند و برای اثبات اینکه پولی بمستأنف نرسیده استناد بدفاتر شده) قابل قبول نیست زیرا ورقه مدر کیه